

در نقد آثار هانا آرنت

- کتاب دیوید واتسن از نگاهی دیگر / جواد ماهزاده
- انسان مدرن و آرنت / ندا درفش کاویانی
- خشونت و قدرت در فلسفه آرنت / کریم قصیم
- مکاتبات هانا آرنت و کارل یاسپرس / سارا احمدی

● هانا آرنت

● دیوید واتسن

● ترجمه فاطمه ولیانی

● انتشارات هرمس - ۱۳۴ صفحه

● چاپ اول - ۱۳۸۵

در پیشگفتار کتاب قبل از هر چیز به دو اثر مهم هانا آرنت «سرچشمه‌های توتالیتاریسم» و «آشمان در اورشلیم» اشاره شده است؛ کتاب‌هایی که به شیوه‌هایی متفاوت به بحران‌های عمده سیاسی، اجتماعی و اخلاقی قرن پرداخته و در زمان خود موفق و بسیار بحث‌برانگیز بود.

در این مقدمه علاوه بر بررسی تاثیرگذاری آثار این اندیشمند آلمانی بر نحله‌های سیاسی معاصر، اشاراتی نیز به افکار و ویژگی‌های شخصیتی او و همچنین نحوه برخورد مستقدان با آرنت شده است که مجموعاً گویای دو نگاه و زاویه دید کلی حاکم بر این کتاب است، اینکه دقت در آراء و اندیشه‌های آرنت و ارزیابی آثار وی، بیش از متن و بطن نوشتارها، از رهگذر شخص مولف (آرنت) و محیط پیرامون (شرایط و فضای حاکم بر روزگار زیستی) حاصل شده است.

دیوید واتسن نویسنده کتاب با تاکید بر مسیر زندگی آرنت، گرایش‌های سیاسی، اخلاقی و حتی روابط شخصی و عاشقانه او، نگاه عمدتاً جامعه‌شناسانه خود را متوجه «جایگاه» و «موقعیت بیرونی» این روشنفکر آلمانی کرده و بدون ارائه تحلیل، نقد یا غور در درون آثار وی، تصویری از نحوه مواجهه او با اتفاقات و جریان‌های فکری و سیاسی روز به دست داده است.

فصل اول «هانا آرنت» به نام «نخستین سال‌ها» ضمن مروری بر نحوه ورود آرنت به مجامع سیاسی شمه‌ای از گرایش‌های استقلال طلبانه و طغیانگر وی را ارائه داده و سپس با طرح موضوع رائل فرانهاگن به ترسیم وضعیت یهودیان و یهودیت در آلمان عصر نازی پرداخته است. فصل

دوم کتاب «تحصیلات دانشگاهی» نام دارد. در واقع نوع فصل‌بندی اثر نیز بیانگر رویکرد مولف محور و تاریخ‌گرای نویسنده در شناخت اندیشه‌های آرنست است. عنوان فصل‌های کتاب که از تقسیم‌بندی نگارنده بر مبنای دوره‌های زیستی و فعالیت‌های آرنست ریشه گرفته، تایید کننده این مساله است که کتاب به هیچ روی نیت بازکاوی نظریه‌ها و آرای بنیادین او را نداشته و به مرور شخصیت و فردیت فعال و اثرگذار او در قلمروی سیاسی زمانه‌اش بسته کرده است. در این فصل با اتکا بر رساله دکتری هانا آرنست با عنوان «عشق از نظر آگوستین قدیس» که در طول زمان به یکی از ماندگارترین مضامین مورد بحث او تبدیل شد مقوله «زندگی شادکامانه به مثابه میل و خواسته بشر» تشریح شده است. او در این باره گفته است: اگر زندگی شادکامانه، میل و خواسته بشر است باید نسبت به آن معرفت حاصل شود. در چنین صورتی معرفت باید بر میل مقدم باشد، معرفت باید خواسته بشر باشد. به عبارت دیگر، معرفت گذشته پایه فرا رفتن به آینده است.

در ادامه عنوان می‌شود که تقابل فکری آرنست با جریانات و اندیشه‌های موجود، موجب بسط دیدگاه‌های فلاسفه‌ای چون کی‌یرکه گور، یاسپرس، کانت و هایدگر می‌شود. مفهوم اگزیستانس، در جهان بودن انسان، آزادی و خودانگیختگی و خودخواهی مطلق از جمله مباحثی است که نظرگاه یاسپرس و هایدگر در این مجال مورد اشاره قرار گرفته است.

در فصل سوم (فرار از نازیسم) نویسنده لحظه به لحظه همگام با تحولات زمانه و فراز و فرودهای سیاسی اروپا جریان فکری غالب در دهه‌های سی و چهل قرن بیستم را می‌کاود و با اتکا بر نگاه برون‌گرا و تاریخی خود، اندیشه‌ها و ایفای نقش آرنست را بررسی می‌کند. او در این مقطع پر تنش در پی یافتن پاسخ پرسش‌های بنیادین درباره ماهیت جامعه و توتالیتر و پیدایش رشد وحشت و استیلا در جامعه توده‌ها (Mass society) است. او در پی این سئوالات «سرچشمه‌های توتالیتراریسم» را می‌نویسد که به زعم دیوید واتسن، نقطه اوج تاملات آرنست درباره اوضاع و احوالی است که او و دیگران را مجبور به جلای وطن کرد. آرنست در این کتاب می‌کوشد با تشریح تبیین سیاسی - نظری از جوهر توتالیتراریسم از محوریت در جامعه توده‌ای سخن بگوید. نویسنده کتاب معتقد است «آرنست تاریخی ویژه از تجربه یهودیان ارائه می‌کند و بدین ترتیب، تبیین سرنوشت یهودیان اروپایی را با توسل به حکمت متعارف یهودستیزی ابدی رد می‌کند. کار او در عوض ارائه تحلیلی ساختاری است از اینکه چگونه یهودیان ابتدا زمینه را برای تحقق ناسیونالیسم مدرن فراهم کردند و سپس به واسطه هویت فراملی خود آشکارا تهدیدی برای ناسیونالیسم شدند» این فصل از کتاب همچنین در برگزیده شرح دو مقاله مهم آرنست با نام‌های «مسئولیت فردی در نظام دیکتاتوری» و «تقصیر سازمان یافته و مسئولیت

جهانی» براساس اطلاعات به دست آمده از محاکمه آیشمان است که نوشتارهایی با اهمیت درباره تقصیر و مسوولیت از منظر آرنت به شمار می‌آیند. او معتقد است مفهوم تقصیر جمعی و برداشت‌های انحراف‌آمیز نوده‌ها از آن، در آن زمان (مثلاً این شعار که «تنها آلمانی خوب، آلمانی مرده است») بر تعبیری وارونه از نظریه نژادی نازی‌ها مبتنی است. به زعم وی، توتالیتراریسم نازی‌ها که زندگی هر فرد را در آلمان به ارتکاب جرم یا شراکت در آن وابسته می‌کرد، به فقدان فاجعه بار قدرت تمیز در قضاوت بیرونی پیوسته بود و این واقعیت هولناک به تمایزی حیاتی میان تقصیر و مسوولیت منجر شد: تقصیر، مستلزم آگاه بودن نسبت به تقصیر و مجازات مستلزم اطمینان از این امر است که مجرم فردی مسوول است.

واتسن در بخش «اسرائیل، ضرورت سیاسی صهیونیسم» تشکیل دولت اسرائیل را بیش از تحقق یک پیشگویی، نوعی ضرورت سیاسی و نقطه مقابل یهودستیزی قلمداد می‌کند. بنابر نظر آرنت سرنوشت یهودیان از خلال شبکه‌ای از خدمات اقتصادی و اجتماعی، با تقدیر دولت مدرن گره خورده است. فعالیت‌های آرنت در سازمان‌های یهودی نشان دهنده این است که او به شدت نگران سرنوشت یهودیان اروپایی بود که با امکانات فراهم آمده در اسرائیل کاملاً تضمین نمی‌شد. آرنت خود نیز پس از مهاجرت به آمریکا در مباحثات اساسی درباره نقش صهیونیست‌ها در رهبری جنگ و پیامدهای آن از جمله ماهیت استقرار یهودیان در فلسطین شرکت کرد. او در مقالات خود در روزنامه آوفباتو از لزوم تشکیل ارتش یهودی سخن گفت. آرنت تشکیل این ارتش را محتملی برای به هم پیوستن قوم آواره یهود می‌دانست، نه آزاد شدن وطن، و چون همزمان مطالعات تاریخی خود درباره جنگ جهانی اول را پی می‌گرفت به ضرورت حضور یهودیان در جریان استقرار صلح پس از جنگ جهانی دوم سخت واقف بود. در فصل پنجم این مساله از نظر گذرانده شده است که انتقادهای تند و تیز هانا آرنت در «آیشمان در اورشلیم» با خشم و اعتراض گروه‌ها و افراد متعددی همراه بود. بخش اصلی این اثر در برگزیده تاریخ تفصیلی سرنوشت یهودیان اروپا در لهستان آیشمان، مافوق‌ها و سازمان اوست. کمک برخی یهودیان به نازی‌ها و نقش آنان در نابودی خود، فساد صاحب منصبان، ناشیگری و خوابکاری شوراهای یهودیان و بی‌توجهی صهیونیست‌ها به سرنوشت یهودیان از جمله انتقادهای و اتهام‌های مطروحه در این اثر جنجال برانگیز است.

نویسنده در «آرنت و جمهوری آمریکا» به واکنش‌های او نسبت به مسائل و رخداد‌های جامعه آمریکایی، نقطه نظر وی در خصوص برتری انقلاب آمریکا نسبت به سایر انقلابات، تسجید از دموکراسی حاکم و تشریح معضل نژادپرستی در این کشور و... پرداخته است. واتسن در این فصل کتاب «انقلاب» آرنت را تبلیغی سیاسی برای انقلاب آمریکا و «وضع بشر» را

تاریخچه‌ای پراکنده از حیات فکری غرب دانسته است. نویسنده معتقد است نوشته‌های آرنت همچنین آکنده از اظهارنظرهای منفی درباره اعتراض‌ها قدرت و انقلاب سیاهان است؛ به گونه‌ای که به کرات قربانیان تبعیض نژادی را به دلیل شدت شورشی که مستعد برانگیختن آن هستند؛ تقریباً سرزنش کرده است.

فصل هفتم «حیات ذهن» که با هدفی معرفت‌شناختی نوشته شده، مسائلی همچون تفکر، پرورش تخیل و پیامدهای بی‌فکری را مدنظر قرار داده است. نویسنده در مجموع فعالیت‌های آرنت را اگر چه کوتاه اما درخشان توصیف می‌کند و معتقد است که بخش اعظم قدرت نوشته‌های او نشأت گرفته از تجربه‌های ملموس او در زندگی بوده است؛ به هر حال جنگ اروپا و پیامدهای آن آوارگان یهودی، روشنفکران مهاجر آلمانی، فضای سیاسی آمریکا و... از جمله وقایع و جریاناتی بوده‌اند که به واسطه تجربیات شخصی و پرفراز و نشیب آرنت به نقطه نظرها و برداشت‌های گوناگون او راه یافتند.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Crises of the Republic

Lying in Politics

Civil Disobedience

On Violence

**Thoughts on Politics
and Revolution**

**Hannah
Arendt**